



نامه های وزیرمختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

« ۱۱ »

از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمود - کی

کتابخانه
پوهنتون جامع
پشاور



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه مدرسه شهید قاسم

عریضه مورخه ۲ شهر صفرالمظفر ۱۳۰۰ نمره ۱۹۸ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا تلگراف نامه مورخه دهم دسامبر که مطابق ۲۸ محرم الحرام و در احضار مقرب الخاقان میرزا کریم خان سرتیپ شرف صدور یسافته بود ، عز وصول بخشید و بمحض وصول آن مقرب الخاقان مشارالیه را باین سفارت خانه خواسته و از مضمون تلگراف ایشانرا اطلاع داده ، تأکیدات لازمه را در مراجعت ایشان بایران کردم . مقرب الخاقان مشارالیه برای رفتن مستعد است اما پول ندارد ، همین که تنخواهی که خواسته است از ایران برسد روانه خواهد شد . در این مدت برای مشارالیه در اینجاها بواسطه نرسیدن مقرری و مطالبات خیلی سخت گذشته است ، حالا وقت آن است از جانب اولیای دولت علیه در این بابها التفاتی در حق او مبذول شود تا بتواند قروض خود را بدهد و از عهده مخارج راه و حرکت از پاریس برآید . چون لازم بود عرض شد .
زیاده چه جسارت شود . معروضه یوم چهارشنبه ۲ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۰۰

عریضه مورخه ۲۲ شهر صفرالمظفر ۱۳۰۰ نمره ۱۹۹ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا تلگرافنامه ملفوفی دیشب رسید از جانب علیاحضرت ملکه اسپانیول است . خودشان از مدت ششمنه درسوئیس

تشریف دارند. از قراریکه مذکور میشود بعد از سه چهارماه دیگر دوباره بیاریس که محل اقامت ایشان است مراجعت خواهند فرمود. چون از فدوی خواهشمنند شده اند که تلگرام مزبور را بخاک پای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی روحناه فداه برسانم، لهذا اینک در کمال تعجیل عین آنرا در جوف همین پاکت امروز انفاذ میدارم و مستدعی میشوم که بعد از وصول بحضور مراجع مظهر مبارک شاهنشاهی تبلیغ فرمایند. مطالب و چگونگی گذراشات را در هفته آینده بعرض حضور مبارک میرسانم.

معروضه یوم شنبه ۲۲ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۰۰

عریضه جات سلخ شهر صفرالمظفر ۱۳۰۰ نمره ۲۰۰ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا دو طغرا تعلیقه رفیعه مورخه ۲۲ شهر محرم الحرام که در جواب عریضه جات ماه ذیقعد و ذیحجه این فدوی شرف صدور یافته بود، عز وصول بخشید. از مضامین التفات امیز آنها نهایت سرافرازی و مفاخرت حاصل شد. در باب وجه مخارج روم و ولادی قفقاز و وین و غیره و همچنین در خصوص مقرری این سفارت که از دوازده سال قبل بر این بر عهده دیوان اعلی باقی مانده است ایشان فرموده بودند که باطلاع مقرب الخاقان باباخان سرهنگ و بتوسط ذیگلر کمپانی مدتی است فرستاده شده اگر چه در صدق قول و در ظهور مراجع و توجه مخصوصه جناب مستطاب بندگانعالی در حق فدوی و درباره مأمورین تردیدی نیست و با وصف اینکه میدانم از پرتو عنایت عالی است که در ظل عواطف ملوکانه بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی روحناده عمرتی بسرتینبیزیم ولی بوحدت خداوندی قسم است که وجوهات مخارج سفر روم و غیره که معادل شانزده هزار فرانگ و همچنین باقی مانده مقرری قوی نیل گذشته که آنهم تقریباً معادل دو هزار

و دویست تومان و کسری است. تا بحال نرسیده است و الا هرگاه رسیده بود، بچه جسارت بمقام اظهار چنین مطلب برمی آمدم. از خانه دیگتر هم مطالبه کردم میگویند چنین وجوهات بآنها نرسیده است و در این صورت لازم میآید از گماشته آنها که در طهران است مطالبه و مسترد شود. طلب همه سفر از بابت سنوات گذشته و همچنین سایر مخارج سفر آنها رسیده است، نمیدانم چه تقصیر کرده‌ام که باید در این موارد فقط فدوی مفضوب بشود. هرگاه مقروض نمی بودم اینقدر درد سر نمی دادم، اما طلبکارها بقسمی جرعه را بفدوی تنگ کرده اند که لابد و ناچارم درد خود را بضرر برسانم و چاره بدردم میخوام.

هرگاه پیش ازین طلب آنها بوجهه تعویق بیفتد مطالبات خود را بطهران رجوع می کند و بدین واسطه اسباب بدنامی عالم گیر میشود. زیاده چه چسارت شود.

* * *

مسیو بوویل که از مهندسمای مشهور فرنگستان است بصرافت ساختن يك خط راه آهن افتاده است که باید از لندن شروع و بهندوستان منتهی بشود. برای اجرای این نیت بهرجا که لازم است مراسله نوشته و اجازه عبور از خاک هر دولتی که خط مزبور باید بگذرد میخواید. از فدوی نیز بموجب مراسله تمنا شده است که استدعای او را بعرض اولیای دولت ابد مدت علیه برسانم. نظر بخواشن مشارالیه و صرفه‌ای که از ایجاد چنین راه آهن برای ممالک محروسه مترتب میشود ترجمه مراسله او را و اصل نقشه‌ای را که خودش کشیده است مصحوب عالیجاه حاجی عبدالله انفاذ میدارم و از آنجا که انجام چنین کاری متضمن منافع

و فواید بسیار است از حلالا خاطر جمعی حاصل است که مقبول خاطر اولیای دولت علیه خواهد شد. مسیو بوویل مشغول تشکیل کمپانیه است و فراهم آوردن پول و این راه آهن توسط این کمپانیه با تنظیم خواهد رسید. از دولت علیه وسایر دول چیزی نمیخواهد و حتی متمهد میشود اراضی که برای کشیدن خط راه آهن از ممالک محروسه لازم خواهد شد، بقیمت عادلانه وقت ابتیاع بنماید و از قراریکه نوشته داده است بمحض اطلاع اهلای اجازه، پنجاه هزار تومان بصیغه رهن باین سفارت خواهد گذاشت، باین معنی که هرگاه از عهده تعهدات خود برنیاید وجه مزبوره بحیطه تصرف دیوان اعلی برآید. از قراریکه مشارالیه تقریر کرده کمپانیه بعد از اتمام این کار گویا مضایقه نداشته باشد بیک خط راه آهن هم از بوشهر تا شیراز بکشد، یعنی در صورتیکه رای اولیای دولت علیه باحداث این علاقه گرفته باشد از برای ساختن آنها مدد خرج نخواهد خواست. باعتقاد فدوی صرفه دولت علیه در این است که چنین تکلیف که به جز منفعت هیچ چیز دیگر در آن متصور نیست قبول بشود، دیگر اختیار با اولیای دولت است، پیش از این در این باب جسارت نمیکنم.

* * *

در باب پریدن چشم حاجی عبدالله عریضه معروض داشته بودم، حالا بحمداله بطوری چاق شده است مثل مادر زاد. دیگر از سهربانی های خودم نسبت بمالیجه مشارالیه چیزی عرض نمیکنم، البته خودش بتفصیل احوال را و رضامندی خود را چنانچه باید و شاید بمرض خواهد رسانید. چون رفتن حاجی عبدالله بجهت بعضی خریدها تا چند روز دیگر بمسئله تعویق افتاده است الهذا پیش ازین جایز ندیدم ارسال عریضجات را بمسئله تعویق بیاورد لازم.

املا کتاب زرد و آن دو کتاب دیگر با نشان مسیو هوتبه دندان ساز مصحوب حاج مشارالیه انفاذ حضور مبارک خواهد شد .

* * *

ترجمه کاغذ مسیو بوویل مهندس

در کمال احترام تقویت جنابعالی را طالب هستم و تمنا میکنم که التفات فرموده از دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی اجازه ساختن يك راه آهن در ممالك محروسه تحصیل نمایند. از نقشه بزرگ راه آهن هندو اروپا که من خودم کشیده‌ام و لفاً تقدیم مینمایم، جنابعالی ملتفت خواهند شد که خط راه آهن از کوه های ایران باید بگذرد و از چند دولت مستدعی شده‌ام که امتیازات لازمه را برای ساختن راه آهن بسهند و اروپا که از ممالك آنها باید بگذرد تحصیل نمایم. کمپانیه مدد خرج نمی‌خواهد و اراضی که برای ساختن راه آهن لازم خواهد شد بقیمت عادله یومیه ابتیاع خواهد کرد. در این صورت از جنابعالی استدعا دارم که این تمنای مرا بمرض اولیای دولت علیه برسانند. البته معلوم است که ایجاد آن موجب بهبودی و ثروت اهالی ایران و باعث ازدیاد مراودات تجارت و ارتقای صنایع در کل ممالك ایران خواهد شد.

کمپانیه راه آهن هند و اروپا در کار تشکیل است در لندن با يك مبلغی که معادل سیصد کرور تومان بوده باشد و این کمپانیه بدست یاری مسیو فردریک هریتاژ که از وکلای خیلی مشهور است صورت ترکیب خواهد گرفت. کمپانیه خود را مطیع قانون و قواعد ممالك محروسه خواهد کرد. امید آنکه استدعای من مقبول خواهد افتاد و با کمال احترام بنده مطیع و حقیر جنابعالی می‌باشم.

* * *

بعد از وصول تلگرام احضار مقرب الخاقان متمد السلطان

میرزا کریم خان مرتیپ ، چنانچه رسم است بجناب مسیو دوکلر وزیر امور خارجه مراسله نوشته و خواهش نشان برای ایشان نمودم . از قراریکه جواب رسید معلوم میشود که نشان از درجه سیم در حق مقرب الخاقان مشارالیه اعطا شده است . در این روزها خود میرزا کریمخان به هلند رفته است و در خدمت جناب جلالتمآب ناظمالدوله است و بعد از ختم مأموریت آنجا دوباره پاریس مراجعت میکند و از آنجا عازم و روانه ایران خواهد شد . البته میرزا کریمخان سرخود به هلند نرفته است بلکه جناب ناظمالدوله ایشانرا خواسته بودند که موقتاً در جزء سفارت ایشان باشند . مسیو کابلتا ۱۱ روز قبل بر این مرده و نعش او را با يك جلال برداشتند که نعش هیچ سلطانی را مجلتر از آن نمی توانستند بردارند . هیچ معلوم نشد چرا در حق این مرده این همه احترامات را برپا کردند . هرگاه برای خدمات اوست ، خدمتی نکرده است که مستوجب اینهمه احترامات فوق العاده بشود . جنرال شانزی نیز مرد ، و برای تشییع جنازه او نیز اسباب احترامات فوق العاده فراهم آورده بودند ، چون او در ایام جنگ با آلمان خدمت ها کرده بود استحقاق اینهمه احترامات را داشت و از قراریکه میگویند هرچه احترام در حق او شده بجا بوده است و بلکه زیاده بر آن هم استحقاق هست . در باب گمرک فرش در تلاش هستم که بلکه کاری بکنم تا تخفیفی داده شود ، اگر چه کاری از پیش نمیرود ، ولی هنوز هم بالکلیه مایوس نشده ام و در کمال جدوجهد سعی و اهتمام میکنم تا بینیم عاقبت این گفتگو بکجا خواهد انجامید . کنت وینفن ایلچی کبیر دولت اطیش هونگری مقیم پاریس که دو سال قبل بر این از همین جا مأمور روم شد و دو سه ماه قبل بر این از روم مجدداً مأمور پاریس شده بود ، ده روز قبل بر این در يك ادرارگاه خیابان ژوزفین طپانچه بنرمی گوش خود خالی

کرده و مغز کله او پراکنده شده و فی الفور در همان جا وفات کرده بود. منسوبان اوشهرت میدهند که خبط دماغ بهم رسانیده بود، اما گویا از غم بضاعت و کم پولی خود را کشته است، در هر صورت باید خبط دماغ بهم رسانیده باشد زیرا که هیچ ذی - شعوری بقصد نفس خود را نمی‌کشد.

* * *

تقریباً يك ماه و نیم قبل بر این يك جلد دیگر از کتاب زرد که آنهم متعلق بعمل مصر است، تحصیل کرده بودم و حالا مصحوب عالیجاه مجدت همراه حاجی عبدالله انفاذ حضور مبارک مینمایم که مانند مجلدات سابقه بحضور مرحمت ظهور بندگان اقدس همایونی روحنا فداه تقدیم شود. دو کتاب دیگر که متعلق بقرارداد حمایت سیم طنابی زیر دریائی و وحدانیت الکتریک است در همین روزها چاپ شده بود و از آنجا که جناب مسیو دوکلر وزیر امور خارجه چند جلد از مجلدات آنها باین سفارت فرستاده بود و اطلاع اولیای دولت اید مدت علیه بر مندرجات آنها لازم بود لهذا يك جلد از هر يك آنها در پاکت کتاب زرد جا بجا کردم و مصحوب عالیجاه حاجی عبدالله میفرستم که بهر جا صلاح بدانند تبلیغ فرمایند. بتاريخ بیست و یکم ماه دسامبر از جانب وزیر مختار سوئد و نروژ نامه سر بزمهری که از جانب اعلیحضرت اوسکار دویم پادشاه آن مملکت به بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحنا فداه در باب تولد فرزندان ذکور و لیعهد خودشان نوشته شده است با سواد آن باین سفارت خانه فرستاده و تمنا شده بود که نامه مرقوم را بخاک پای مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی برسانم. اینک نامه مذکور را با سواد آن در لف پاکت امروز میفرستم و استدعا می‌کنم مرحمت فرموده بخاک پای مبارک تبلیغ و وصول آنرا صادر نموده باینجا ارسال فرمایند که بتوسط این سفارت بسفارت سوئد و نروژ تبلیغ شود.

وزیر مختار سوئد و نروژ در همین موقع يك پاكٲت سربسته نیز باسم مسیو هونیه دندانساز فرستاده و نوشته بودند که در جوف آن نشانی است که از جانب اعلیحضرت پادشاه خودشان بمالیجه مشارالیه اعطا شده است. آن پاكٲت را لفا میفرستم و استدعا میکنم قدغن فرمایند آنرا بمسیو هونیه برسانند و جواب وصول آنرا تحصیل نموده باینجا بفرستند که بایصال این سفارت بسفارت آن دولت برسد. نمونه معدن سرب که حمل آنرا در تملیقه ۲۳ شهر ذیحجه الحرام اشاره فرموده بودند هنوز هم نرسیده است و از نرسیدن آن کمال تعجب حاصل است، نمی‌دانم در کجا مانده و چطور شده که تا بحال نرسیده.

زیاده چه جسارت شود معروضه سلخ شهر صفر المظفر ۱۳۰۰

عریضه مورخه ۷ شهر ربیع الاول نمره ۲۰۱ مشتمل يك طرفه

خداوندگارا پرنس ژروم ناپلئون پسر عموی ناپلئون سیم يك اعلامنامه شاهانه بسیار بالا بلندی نوشته و داده بود دیشب در بعضی از روزنامه‌ها منتشر نموده و در سرب دیوارهای کوچک و بازار چسبانیده بودند. پرنس مزبور در این اعلامنامه اعمال کلانگذازان این دولت جمهوری را تکذیب میکند و بی‌قابلیتی آنها را مینماید. خلاصه مقصود او از این اعلامنامه این است که دولت جمهوری را بپوچ است و بیکار نمی‌خورد و هر وقت او بسرکار آمد همه چیز اصلاح خواهد شد و رفاه و امنیت و آزادی و شرف برپا و برقرار خواهد شد. برای مزید اطلاع اصل اعلامنامه را چنانکه انتشار یافته است اینک از روزنامه بریده لفا انفاذ حضور مبارک مینمایم و اضافه میکنم که بمحض اطلاع از این مقدمه، اعیان این دولت و وکلای ملت حکم بحبس پرنس مشارالیه صادر نموده و هرچه اعلامنامه بر دیوارها چسبانده بودند پاره کرده و هرچه هم بسایر ایالتها آدمهای پرنس خواسته بودند بفرستند همه را از چانه

دولت ضبط کرده‌اند و پرنس را دستگیر نموده بحبس انداخته‌اند و از قراریکه مذکور است بهمین سبب می‌خواهند او را و سایر پرنسهای دیگر را خواه از ناپلئون بوده باشند خواه از سلسله بوریون و اورلیان همه را از خاک فرانسه بیرون کنند اما اینها حرف است بجز پرنس ژروم ناپلئون که بواسطه آن اعلامنامه مقصر شده است کس دیگر [یک کلمه ناخوانا] نخواهد شد و هرگاه او هم این اعلامنامه را که باعث فتنه بزرگ می‌توانست بشود ننوشته بود او را هم [یک کلمه ناخوانا] نمی‌کردند. اهالی فرانسه پرنس ژروم ناپلئون را دوست ندارند و اخراج او خطلی به کار دولت و اوضاع جمهوری نخواهد رساند. چون واجب بود عرض شود.

زیاده چه جسارت ورزد مورخه ۷ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۰۰

عریضه‌جات مورخه ۲۶ شهر ربیع‌الاول نمره ۲۰۲ مشتمل بر پنج طرفه

خداوندگارا تلگرافنامه رمزی که در مورخه ۲۶ محرم الحرام در باب سکه زدن پول طلا و نقره بسکه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا کرده بودند مدتی است رسیده و حسب‌الاشاره تلگرام مزبور در ضمن عرایض مورخه ۲۲ محرم اعاده داده شده است. از آنوقت تا با امروز و قبل از آن مدت بهیچوجه من‌الوجه در این باب با مسیو بواطال داخل مذاکره نشده‌ام. برخلاف دستور العملی و تعلیماتی که از وزارت جلیله میرسد رفتار نکرده و نخواهم کرد. دو ورقه یکی چاپی و دیگری خطی که متعلق بکتاب ناسخ‌الرموز بوده که لفاً ارسال شده بود واصل گردید و بعد از ملاحظه از قرار مندرجات آن دو ورقه معلوم خواهد شد تفصیل حبس شدن پرنس ژروم ناپلئون را در ۷ همین ماه ربیع‌الاول بمعرض حضور مبارک معروض داشته و اعلامنامه او را از روزنامه‌ها بریده و لفاً فرستاده بودم، البته رسیده و از شرح احوالات استحضار کاملی

حاصل فرموده‌اند، از آنوقت الی حال پرنس مزبور محبوس است و در باب سایر شاهزادگان خواه از سلسله تاپلئون بوده باشند و خواه از اولاد لسوئی یا بوربون قانونی مجری شد که هر وقت از اوقات که از یکی از آنها خلافتی سر بزند دولت جمهوری حق آنرا دارد که بدون چون و چرا او را از خاک فرانسه بیرون کند. حالا دیگر باین وضع زندگی برای آنها در خاک فرانسه حرام شده است، زیرا که بآنندک بهانه دولت جمهوری می‌تواند بآنها تعدی نماید. این قانون باید در سنا هم تصدیق شود، در صورتیکه در آنجا هم تصدیق شد هیچیک از شاهزاده‌ها در اینجا نمی‌مانند، اما از قراریکه مذکور است گویا سناتورها آن قانون را تصدیق نکنند. در باب ایتیان مهر پست توسط مسیو بیکولا سیمنیو خبطها کرده است که خودش را بکلك انداخته، يك ماه قبل تفصیل احوال و چگونگی مراتب را بجناب جلالتماب امین الدوله مشروحاً معروض داشته و حالا چونکه از وزارت خارجه اینجا رسماً از فدوی سؤال شده است که مسیو بیکولا از جانب دولت علیه مآذون بود سفارش بدهد که مهر پست بسازند یا نه، جواب نوشتیم که خیر مآذون نبود و چون خیلی ساده - لوح است صاحب کارخانه او را فریب داده است. سواد سؤال و جواب مکتوبی که وزارت خارجه از این سفارت کرده است اینک لفاً انفاذ میشود.

شش سال است که مقرب الخاقان عبدالحسین خان سرتیب خلف مرحوم خان باباخان، سردار سلیمان خان فرزند خود را برای تحصیل بیاریس فرستاده است. وقتیکه این جوان باینجا آمد تقریباً دوازده سال داشت اما سواد فارسی نداشت و يك کلمه زبان فرانسه نمی‌دانست. چون مدرسه هورثونس بواسطه تربیت چند نفر از اطفال ایران سابقه مراوده باین سفارت داشته و در آنجا از اطفال ما خوب متوجه میشدند، لهذا سلیمان خان را در آن مدرسه جابجا نموده و

قرار مخارج او را تقریباً در سه هزار فرانك تمام کرده ام که از بابت مخارج لباس و خوراك و اطاق علیحده و مصارف معلم مخصوص و خرج بیلاق که یا لکلیه آسوده باشم و بآن تنخواه، سلیمان خان در سر سفره معلمها که خوراك آنها از غذای متعلمین ممتازتر است صرف شام و نهار را بکنند و مخارج ایام تعطیل هم در سر این سه هزار فرانك بود و صورت حسابها را در موقع خود برای مقرب - الخاقان مشارالیه فرستاده و ایشانرا از مراتب احوالات سلیمان خان و از طرز تحصیل او در هر وقت مستحضر نموده ، چون این جوان را مانند اولاد خود دوست میدارم آنی در تربیت او غفلت ننموده‌ام و در خیرخواهی و صرفه خود ایشان بهیچوجه منالوجه قصوری نشده است و بآن طوریکه در حق ایشان و مخارج فرزند ایشان صرفه جوئی کرده‌ام در حق اولاد خودم بانطور نمی‌کنم و چنانکه از روی این حسابها که لفاً فرستاده میشود و بلحاظ جناب اجل بندگان خواهد رسید معلوم خواهد کرد که در مثل پاریس جائی برای يك طفل در مدرسه نمی‌توان کمتر ازین خرج کرده و هرگاه پارسال زیاد خرج شده تقصیر فدوی نیست. از قراریکه معلمها می‌گویند معلوم میشود استعدادی که خداوند عالم به بعضی از اطفال کرامت می‌فرماید باو عطا نفرموده و سلیمان خان کم حافظه است. حالا این جوان را برگردن این سفارت گذاشته و ابدأ متحمل سؤال و جواب نیست. در ماه اکتبر گذشته تلگراف کردم بایشان که هرگاه پول نقد نرسد ، سلیمان خان را قبول نمی‌کنند ، با وصف این ، احوال باز هم جواب ننوشت . چون مخارج مربوطه را رئیس مدرسه هورتونس کارسازی نموده بود و نمی‌توانست باز هم پول نقد پیدا کند مجبور شدم سلیمان خانرا دوباره در مدرسه هورتونس بگذارم تا جوابی از طهران برسد و در این بین شرح احوالات را نوشتم که بلکه بدون صدا عبدالحسین خان بادای تکالیف خود بپردازد اما از این اقدام فدوی نیز نتیجه‌ای

مترتب نشده و در این مدت که سلیمان خان را در مدرسه هورتونس بهزار منت جابجا کرده بودم يك مرتبه دیدم رئیس مدرسه مزبور باین سفارتخانه آمده اظهار داشت که ما از عهده سلیمان خان نمی توانیم برآئیم، خودسر شده است و اطاعت بما نمی کند و بی ادبانه بامن حرکت کرده است و از قراریکه از مضمون کاغذی که از خارج باورسیده و من خودم خواندم معلوم میشود که بایک زنی مکاتبه بهم رسانیده است و باوصف اینکه باو قدغن کرده بودم از مدرسه بیرون نرود و بحرف من گوش نداده در میان سایر اطفال مرا خفت داد و حالا باوصف این محبت پدرانه که باو داشتم بجهت این حرکت بی ادبانه او نمی توانیم او را در مدرسه نگه بداریم. از حق نباید گذشت که این ها حق پدری برگردن سلیمان خان دارند اما بدبختانه احدی از آنها اظهار تشکر ننموده است. وقتیکه دیدم کار از کار گذشته است باز از مشاورالیه خواهش کردم که این دفعه هم متحمل مخارج سه ماهه سلیمان خان بشوید تا اینکه مراتب را بطهران بتویسیم اما سلیمانخان راضی نمیشد با هزار تمنا و نوید او را مجبور کرده ام که سه ماه دیگر داخل مدرسه بشود تا پول و خیر از طهران برسد و در آن ضمن بآن شخص ثالث در تاریخ ۹ ژانویه گذشته باین مضمون تلگراف کرده ام: «سلیمان خانرا از مدرسه بیرون کرده اند. بمدرسه دیگر نمی خواهد داخل شود. میخواهد بایران مراجعت نماید غیرمقدور است او را در اینجا نگه داشت. پدرش را مجبور بکنید پانصد تومان بفرستد که پول مدرسه و مخارج او داده شود و الا هرگاه پول نرسد بلائی بزرگی برپا خواهد شد.» باز هم جواب نرسید و این جوان برگردن فدوی افتاده و فدوی نمیتواند از عهده مخارج او برآید. نمی دانم خیال عبدالحسین خان از این سکوت چیست! خداوند عالم سروکار هیچ کافر را به چنین شخص

رجوع نکند . از بدو حال مکرر بیایشان نوشته‌ام که مرا از این کار که بجز زحمت و صدمه ثمری دیگر ندارد معاف نمائید ، گوش بحرغم نمی‌داد ، منم که نمی‌توانستم این جوان را بی صاحب بگذارم ، در اوایل باز مخارج را میفرستاد حالا نه پول میفرستد و نه جواب کاغذها را میدهد و سلیمان خان هم در اینجا چیزی یاد نمی‌گیرد حالا بهترین کار این است که او را بخواهید و الا در اینجا ضایع خواهد شد .

عبدالحسین خان از اول الی امروز موافق سند و کتاب سه مرتبه تنخواه باینجا فرستاده ، دفعه اول شش هزار و هفتصد و پانزده فرانک و دفعه ثانی پنج هزار و پانصد و ده فرانک ، دفعه سیم پنج هزار و سیزده فرانک و بهمه جهت جمع کل معادل هفده هزار و دو بیست و می و هشت فرانک بوده است ، بقیه را که رئیس مدرسه هورتونس از خود کارسازی نموده بر عهده عبدالحسین خان است که باید داده شود . استدعا دارم ایشانرا بوزارت جلیله احضار و مجبور فرمایند بادی حق مدرسه و قرار عمل را مرتب فرمایند . بحق خدا این کار بجز زحمت برای فدوی ثمر دیگر نداشته و ندارد و بعوض این که ممنون بشود صدمه هم می‌زنند . مرحوم سردار کل برای مخارج فرج خان نواده خود سالی چهار هزار فرانک میفرستاد و در مدرسه هورتونس خرج میشد حالا فدوی با سه هزار فرانک مخارج سلیمان خان را انداختم باز هم از فدوی راضی نیست مجدداً استدعا مینمایم که فدوی را از شر عبدالحسین خان خلاص فرمائید .

تلگراف نامه رمزی جناب مستطاب اجل بندگان عالی که تاریخ آن از ۲۷ ماه ژانویه و باین مضمون بود :

(عمل راه آهن بواطل گذشته یانه برات دولتی را ببانک داده سند بانک را بشما سپرده یانه هر چیزی باشد فوراً با تلگراف خبر

بدهید بعد از اینکه اطمینان حاصل نمودید) يك روز بعد از آن تاریخ شرف وصول بخشید و پس از وصول آن باین مضمون جواب عرض کرده ام (عمل راه آهن نگذشته و اگر چه برات دولتی به بانک گذاشته ولی محل ایراد و مشارالیه عازم است باینست بانک مزبور) چنانکه بموجب تلگراف فوق الذکر مختصراً معروض شده بود، لازم میدانم بموجب همین عریضه تحریراً عرض کنم که عمل راه آهن نگذشته است زیرا که هرگاه گذشته بود مسیو بواطال اجزاء کمپانیه را به این سفارت خانه آورده معرفی میکرد و یا اینکه قرارنامه ای را که میبایستی بآنها منعقد نماید بانقضای این سفارت میرساند. در باب همین پنجاه هزار تومان هم اگر چه نوشته در دست دارد ولی چنانکه نوشته مزبور بلحاظ جناب مستطاب بندگانعالی خواهد رسید سند مزبور ساختگی است و بهمیچوجه من الوجوه بکار نمی خورد. از قراریکه فهمیده ام عمل راه آهن رشت بطهران بتمنهایی سرانجام نگرفته و نخواهد گرفت، اما از قرار بیانات مسیو لنگال که باتفاق مسیو بواطال از جانب مسیو فوتتان نایب مسیو دسپیر دومرتبه باین سفارتخانه آمده بود استنباط میشود، معلوم میشود در صورتیکه امتیاز ساختن راه آهن رشت الی بوشهر از جانب دولت علیه بمسیو بواطال اعطاء شود، مسیو دسپیر این عمل را تصویب نخواهد کرد و اجرای آنرا بر نخواهد گرفت. مسیو بواطال پیش از عزیمت وعده داد که مسیو فوتتان باین سفارت خواهد آمد و مراتب را شخصاً بیان خواهد کرد، اما تا حال تحریر این عریضه، مشارالیه نزد فدوی نیامده است معلوم است هر وقت آمد تفصیل احوال و چگونگی را معروض خواهم داشت. زیاده جسارت است.

تعلیقه جات رافت آیات مورخه ۱۷ و هیجدهم شهر صفر و اصل

و از مضمون آنها راجع بفقره دخل و فروش رنگت جوهر اطلاع حاصل شد. و بعد از اطلاع از شرح احوال و سواد مکاتباتی که در این باب فیما بین وزارت جلیله امور خارجه و سفارت فرانسه شده بود بوزارت امور خارجه فرانسه رفته و چون اجتاب مسیو دوکلر ناخوش و استعفای خود را داده است و برای آنکه تعطیلی در انجام این خدمت روندهد رئیس تجارت را که از کارگذاران دولت محسوب میشود ملاقات نمود و تفصیل احوال را از بدو الی الختم برای ایشان حالی نمودم. از قراریکه معلوم شد از سفارت فرانسه مقیم دارالخلافه نیز شرحی در آن باب به اینجا نوشته‌اند و همان دلایل را که در آنجا اقامه کرده‌اند باینجا هم اشاره نموده‌اند. موافق فصل سیم عهدنامه تجار را نمیتوان از دخول و فروش هر قسم امتعه منع کرد، اما برای اوچالی کردم که این جوهر برای فرش و هرگونه پشم‌آلات ایران حکم دینامیت را دارد و این صنعت فرش بافی را که از صنایع معتبر حالیه ایران است از درجه اعتبار انداخته است و هزار دلیل دیگر برای او آوردم که هر دولت در چنین موارد موافق قوانین حقوق ملل احدی را حق ایراد نیست، خلاصه آنچه به عقل قاصر میرسد در اقامه ادله و دلایل زیاد آوردم، بالاخره بعد از اینکه دید حق می‌گویم گفت من نمیتوانم جواب این فقره را بجناب شما بگویم، اما همین قدر میدانم که از قرار مضمون عهدنامه تجار را نمیتوان از دخول و خروج همه جور امتعه منع کرده تا ببینیم رأی اولیای دولت چه اقتضا کنند. با وصف این جواب مشارالیه، اعتقاد شخصی فدوی این است که هرگاه سایر دول در این باب حرفی ندارند دولت فرانسه بتمنهایی نمی‌تواند ایراد بکند، خلاصه اوضاع دولت جمهوری در این روزها خیلی مغشوش است، کسی را ندارند که بتواند جواب درستی بدهد. همه وزراء بجهت قانونی که برای اخراج شاهزاده‌ها می‌خواهند بگذرانند استعفا داده‌اند و چون در وضع

قانون مزبور آراء مختلف است، هنوز هم وزرای جدیدی معین نشده‌اند و مسیو دوکلر خیلی ناخوش است و مسیو فالیر وزیر داخله که موقتاً بجای مسیو دوکلر معین شده است او هم ناخوش است و حالا کارهای دولت جمهوری خیلی در هم برهم شده است، گویا باین ظلمی که نسبت به کشیش‌های مذهب کاتولیک کرده و حالا با اولاد سلاطین نیز میکند بالکلیه از درجه اعتبار بیفتند.

معنی جمهوری آزادی است، اما حالا آزادی فقط برای الواط و مفسدین برقرار شده است، هرچه آنها میخواهند می‌کنند و احدی متعرض آنها نیست و کشیش‌ها و اولاد سلاطین که بجز تمکین و رضا خلافی از آنها سر نمی‌زند گرفتار بلا شده‌اند و آنها را از خاک فرانسه بیرون می‌کنند و کس نیست حمایت از آنها بنماید، درحقیقت بد اوضاعی شده است و یقین باین طور نمی‌ماند تا خدا چه مقدر کرده باشد. زیاده جسارت است.

دو ظفر اتملیقه مهر طلیمه که در دهم شهر صفر شرف صدور یافته بود و در ۱۵ ماه مزبور انفاذ شد در هفته گذشته شرف وصول ارزانی داشت. یکی از آنها در باب مسیو بوتن بود و دیگری در خصوص فقره خانه امیر الامراء المعظام ساعد الدوله که مسیو بالوا وزیر مختار فرانسه اجازه کرده بود. اگرچه در این روزها اوضاع وزارت امور خارجه بجهت نقاهت مزاج جنابان مسیو دوکلر و مسیو فالیر قدری مختل شده است ولی از آنجا که نباید چنین مسائل بمهده تأخیر بیفتند، رفتم مسیو نپلو رئیس پوتیکیه را ملاقات نموده و تفصیل احوال مسیو بوتن را از روز اجیر شدن الی روز اخراج او از ضرابخانه مبارکه با ترجمه قرار نامه و با ترجمه سؤال و جواب مسیو لیره با عالیجاه حاجی محمد رحیم امین دار الضرب واقعه در مجلس منعقد در سفارت

فرانسه برای مشارالیه بیان نمودم. مسیونپلوگفت من اطلاع درستی از این کار ندارم و بصلاحدید خود او مسیوبوتن را دیده و تفصیل احوال را بمشارالیه بیان و خواهش کردم بزودی وبدون تعطیل از وزارت خارجه بمسیو بالوا کاغذ بنویسند و او را تکلیف بکنند بچنین کارها که صورت رسمی ندارد و من غیر رسم قرار گرفته و بعد بواسطه عدم قابلیت مسیوبوتن و موافق فصل ششم قرارنامه فسخ معامله شده است مداخله ننماید و باین اصرار مزاحم اوقات شریفه اولیای دولت علیه نشود. پس از اینکه اینهمه تفصیلات را شنیدگفت از سفارت طهران هم شرحی در این باب نوشته‌اند، بعد نوشتجات سفارت را خواست و بدقت ملاحظه نموده و گفت از قراریکه از این نوشتجات معلوم میشود بعد از انقضای مدت قرارنامه اولی مسیوبوتن قرارنامه جدیدی با او بسته‌اند، در صورتیکه مسیوبوتن از عهده عمل خود نمی‌توانست برآید، چه طور شده است بموجب قرارنامه جدید او را دوباره بخدمت ضرابخانه اجیر کرده‌اند، گفتم اگرچه این فقره در تعلیقه‌جات وزارت جلیله خارجه درست شکافته نشده است ولی از وجنات کار معلوم میشود تجدید قرارنامه هرگاه شده است از شغلی بشغل دیگر بوده، محتمل است در کار اولش ماهر بوده و در شغل دیگر از عهده تعهدات خود بر نیامده است. خواهش کردم کاغذ مسیو بالوا را برای من بخواند، طفره کرد و گفت اینکه تکلیف می‌کنید که سفارت فرانسه بکاریکه صورت رسمی ندارد مداخله ننماید این تکلیف شاق است، زیرا که یکی از تکالیف سفارت حمایت تبعه است، هرگاه حمایت تبعه خود را نکند مواخذه خواهد شد. از این گذشته سفارت فرانسه (یک کلمه ناخوانا) نمیکند و تکلیف او این است که همه کارها خواه رسمی باشد یا غیر رسمی بوزارت جلیله رجوع ننماید و هرچه سفارت می‌نویسد معلل بتعرض نیست و عین حقیقت را می‌نویسد.

مسیو بوتن بی‌حق نیست. گفتم در ایران هم به‌احدی تعدی نکرده و نمی‌کند و هرگز در آنجا خیال آنرا ندارند که در حق احدی ظلمی بشود و از آنجا که همیشه منظور نظر اولیای دولت علیه پاس حقوق دوستی و یک‌جهتی و رعایت مراتب اتحاد و مودت دولت فرانسه است هرگز خود را راضی ننمایند که در حق تبعه آن دولت تعدی بشود و بهمین جهت است که همین دستورالعمل و تعلیمات لازمه آمده است که رفع اشتباه بشود. باز هم مسیو بوتن را بازداشتیم کاغذی را که مسیو بالوا نوشته و جوابی را که از وزارت خارجه باو نوشته‌اند از برای فدوی قرائت نماید. این دفعه نیز طفره رفت، اما گفت هرگاه میل داشته باشید خلاصه مطلب را مثل یادداشت برای جناب شما می‌فرستم یعنی در صورتیکه مسیو پنلو تبلیغ چنین یادداشت را بجناب شما صلاح بدانند. دستورالعمل لازمه را به سفیر خودمان نوشته‌ایم که کار را در آنجا تمام نماید. از قراریکه اظهار میداشت اولیای‌حالیه دولت جمهوری فرانسه عزم خود را جزم کرده‌اند که در اجرای حقوق دولت و اثبات حق تبعه خود، قسمی حرکت نمایند که دیگر بعد از این مورد تهمت و مذمت نشوند و بعد از این نتوانند بگویند که دولت فرانسه بعد از آن جنگ آخری بحدی ذلیل شده است که نمی‌تواند حقوق خود را مجری نماید. جناب مسیو دوکلر هم یک دفعه این حرف را بفدوی زده بود اما در آن دفعه و در این موقع گفتم که مقصود دولت علیه ایران هرگز بر این نبوده است که دولت فرانسه را خفت بدهد و آنچه از جانب دولت علیه اظهار میشود خالی از غرض است و محض برای اجرای احقاق حق است، خلاصه مجلس در این جا ختم شد ولی موافق تکالیف مأموریت باز هم اقدامات لازمه را بهر جا که لازم است بکار خواهم برد که بلکه منظور نظر حاصل شود.

اما در باب فقره‌خانه سفارت بعد از آن اقدامات و تدبیرانی که برده شد و پس از تحصیل جواب کافی که در تاریخ ۲۷ ماه سپتامبر سنه ۱۸۸۲ باین مضمون انفاذ حضور مبارك شد : (گفت به بالوا تلگراف می‌کنیم هرگاه این کار موافق میل همایونی شخصاً و حضوراً از جانب سنی‌الجوانب همایون اظهار شده است حاضریم رضای خاطر اعلیحضرت شاهنشاهی را بعمل بیاوریم و الا هرگاه بتحرك مونت فورت باشد ابدأ تمکین نخواهد شد) بتاريخ ۱۴ شهریور قمری ۱۲۹۹ الحرام سنه ۱۲۹۹ مضمون تلگرام مزبور را با شرح مذاکراتی که با جناب مسیودوکلر شده بود مفصلاً بعرض حضور رسانیده بودم و در جواب آن ، تعلیقۀ مورخه ۲۸ ذی‌حجۀ الحرام که باین مضمون بود از جانب جناب مستطاب اجل‌بندگان عالی بخط جناب آقای صدیق‌الممالک رسید : (پاکت مورخه ۱۴ ذی‌قعدة آنجناب که دلالت بمراقبات و اهتمامات شما در اجرای اوامر و خدمات مقررۀ بانجناب است ، رسیده مذاکرات و محاورات شما باجناب مسیودوکلر رئیس شورای وزرا و وزیر امور خارجه دولت فرانسه در باب خانه سفارت و سایر که بآن طور و طرزهای خوب مکالمات کرده بودید ملحوظ افتاد و بعرض خاکپای همایون اقدس اعلی رسانیدم . خانه سفارت که پاره‌ای شرایط داشت جناب مسیو بالواوزیر مختار آن دولت قبول کرد محض اتحاد دوستی دولتین قوی شوکتین داده شد و الان سفارت در آنجا اقامت دارد و خود وزیر مختار که از دولت خودشان مرخصی سه ماهه گرفته بود از حضور همایون ملوکانه هم اجازت حاصل کرده روانه پاریس شدند) بعد از این تفصیلات حالا در تعلیقۀ دهم صفرا اشاره فرموده‌اند که از کیفیت خانه سفارت فرانسه مسبق هستند یسا اینکه دولت می‌توانست او را به عنف از دخول به آنجا منع نماید . اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده محض ملاحظه

کمال اتحاد حاصله بین دولتین و رعایت دوستی و یکجبهتی دولت جمهوری فرانسه که همیشه هر نوع مساعدت را می فرمایند ، اقامت سفارت را در آنجا بطریقی قبول فرموده اند ولی بالوا در این فقره خوب حرکت نکرده و حال آنکه می توانست در این موقع ملاحظه احترام ذات ملکوتی صفات همایونی را کرده از اجاره آنجا صرف نظر نماید . لهذا مخصوصاً بان جناب می نویسم که ملاحظه دوستی شخصی مسیو بالوا را نکرده تفصیل مراتب را در موقع خاص بطوریکه مسبوق هستند بجناب جلالتمآب وزیر امور خارجه آندولت اظهار و رفتار بی قاعده مشارالیه را حالی و خاطر نشان نموده و از نتیجه اقدامات خودتان مرا اطلاع بدهید (البته تکلیف فدوی بجز اطاعت باو امر عالیه چیز دیگر نیست ولی باعتقاد خودم بعد از آن خدمات بزرگی که کرده ام و پس از تحصیل آن جواب که در بیست و هفتم سپتامبر گذشته با تلگراف بعرض مبارک رسانیده بودم می بایستی موافق مذاکرات این سفارت و اظهار جناب مسیو دوکلر در همان وقت بمسیو بالوا اعلام فرمایند که رای جهان آرای بر این علاقه گرفته است که سفارت فرانسه در خانه ساعدالدوله منزل بکند . از آنجا که میل خاطر اولیای دولت فرانسه بر این است که باید بر طبق رای و رضای خاطر مرحمت مظاهر همایونی متابعت شود باید خانه سفارت عوض شود و سفیر فرانسه در خانه دیگر منزل نماید ، اما بدبختانه این خانه ای را که بهزار زحمت تحصیل کرده بودم و یقین داشتم که در عوض چنین خدمت بزرگ يك التفات بزرگتر از آن در حق فدوی مبذول خواهد شد از دست داده و مقرر میفرمایند که از آنجا که از کیفیت مزبوره مسبوق هستید لهذا مخصوصاً بانجناب می نویسم که ملاحظه دوستی شخصی مسیو بالوا را نکرده تفصیل مراتب را در موقع خاص بطوری که مسبوق هستید

بجناب وزیر امور خارجه فرانسه اظهار نمایند . از این مضمون چنان استنباط میشود که بملاحظه دوستی شخصی با مسیو بالوا صرفه دولت خود را از دست داده‌ام . راست است بامشارالیه سابقه دوستی داشتم ولی بوحدت خداوند متعال قسم است از روزیکه حرکات ناشایسته بالوا را دیده و بدسلوکی او را می‌شنوم از او اکراه دارم بعدی که هیچ نمیخواهم صورت آنرا رویت کنم و از این سفر آخر حتی المقدور خودم را باو سرد نمودم و حالا باز هم قسم میخورم که صرفه دولت علیه را بقدر هزار مثل بالوا نمی‌فروشم . من نان دولت را از دست نداده و نخواهم داد . در این صورت بجسارت عرض بکند ؟ !

در حقیقت در صورتیکه فدوی را باین طورها بجای آورده‌اند هیچ صلاح دولت نیست که مثل من مأمور چنین نادرست و خائنی را در سرمأموریت خود باقی گذارد . خلاصه درعالم نوکری این طور حرکات را حرام میدانم و هرگز بملاحظه علاقه شخصی صرفه دولت را از دست نداده و نخواهم داد . در این صورت بجسارت عرض می‌کنم هرکس که این عرض را کرده و این نسبت را بفدوی داده است خلاف عرض کرده است .

برای تجدید این مسأله و مذاکره آن با وزیر امور خارجه اینجا باید يك بهانه جدیدی پیش آورد ، مثلاً گفت وزیر مختار فرانسه وعده کرده بود در کوچه را به بندد ولی نبسته ، ضمناً وعده کرده بود دیواری از سمت باغ لاله زار بکشد اما نکشیده است . در اینجا یقین بکنید که مسیو بالوا بر قول خود وفا نمیکند و در

همه چیز مراغه طلب است ، اولیای دولت را بتنگ آورده است و الا هرگاه دلیل جدیدی در دست باشد نمی توان گفت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی باقتضای همت و حالت رأفت امیر ملوکانه آنوقت گذشت فرمودند اما مسیو بالوا در این فقره خوب حرکت نکرده و حال اینکه می توانست در این موقع احترام ذات ملکوتی صفات همایونی را کرده و از آن خانه صرف نظر نماید . در هر صورت چون وضع مسئله تغییر کرده است محتاج بدستورالعمل جدید هستم و یقین بدانید که ابدأ ملاحظه دوستی احدی را نکرده و نخواهم کرد و صرفه دولت را بر همه چیز مقدم داشته ، نقطه بنقطه متابعت به تعلیمات جناب مستطاب اجل بندگانعالی نموده و خواهم کرد و در این ضمن هر وقت موقعی بدست آمد پوستی از بالوا میکنم . زیاده چه جسارت شود معروضه ۲۶ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۰ .

عریضه مورخه ۶ شهر ربیع الثانی نمره ۲۰۳ مشتمل يك طرفه

خداوندگارا یادداشتی را که از وزارت امور خارجه اینجا درباب عمل مسیو بوتن وعده کرده بودند بفرستند در یوم شنبه گذشته رسید وسواد آنرا اینک لفاً انفاذ میدارم . از قراریکه معلوم شد در همین روزها ازوزارت خارجه اینجا مراسله بجناب مسیو بالوا نوشته اند که اول قرارنامه مسیو بوتن را بفرستند . در این صورت لازم میشود که از جانب وزارت جلیله تیترا قرارنامه سابق ولاحق که با مسیو بوتن بسته شده است باین سفارت خانه فرستاده شود ، تاآنکه از روی سند جواب اینها داده شود و شرح سفارت

فرانسه از سر ما رفع شود . اعتقاد این است که هرگاه سندها باین سفارت برسد کار در اینجا خیلی باسانی میگردد و دیگر اختیار با اولیای دولت است .

تعلیقه مورخه ۱۸ شهر صفر که بسرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود عز وصول بخشید و بمحض زیارت آن بدو سه نفر از تجار ایران که در پاریس و در سایر شهر های فرانسه هستند اطلاع دادم که بنا بخواهش سفارت کبرای دولت عثمانی مقیم طهران از وزارت جلیه امور خارجه دولت ابد مدت علیه ایران حکم مؤکد شده که احدی از آحاد حق ابتیاع و آوردن [يك کلمه تاخوانا] اسلحه را که دولت علیه عثمانی از کمپانی پیرو-ویدانس تل در شهر پرو ویدانس ممالک اتازونی ابتیاع نموده است والان بواسطه ورشکست شدن کمپانی در تحت منازعه و مرافعه است نخزند و بهمیچوجه من الوجوه نزدیک آنها نروند از حالا بجناب مستطاب بندگانعالی اطمینان میدهم ازما احدی درصدد ابتیاع چنین اسلحه نبوده و نخواهد بود .

در باب گمرک فرش لازمه اهتمام را بعمل آورده‌ام ، اما بدبختانه اهتمامات فدوی تابحال بهمیچ ثمر نرسیده است . یکی از دوستان که خیرخواه ایران است میگوید که این کار باسانی نمیگذرد و چون این قانون که درباب گمرک فرش گذاشته شده است حکم عمومی دارد ، شما را در تحت قانون عمومی مستثنی نخواهند کرد ، در این صورت بهترین شقوق این است که باید تأمل نمائید تا قرارنامه تجارتي دولت عثمانیه که میبایست با

دولت فرانسه تجدیدشود منعقد بشود، هرگاه در باب فرش عثمانی تخفیف داده شد در باب فرش ایران نیز همان تخفیف داده میشود . این عمل هفت هشت ماه دیگر طول دارد و اعتقاد من این است که بجز تأمل چاره دیگر نیست . باوصف این احوال باز حاضر بانجام فرمایشات بوده و هستم و بهر قسم احکام و دستورالعمل جدید برسد از آن قرار عمل و رفتار خواهد شد . بعد از رسیدگی بعمل پرنس ژروم ناپلئون [يك كلمه ناخوانا] موافق قانون این مملکت معلوم شد که پرنس مشارالیه در انتشار اعلامنامه تقصیری به گردن او وارد نمی آید و بهمین جهت حکم استخلاص او جاری شد و او را از حبس بیرون آورده آزاد کردند و حالا باسودگی در پاریس راه می رود . در باب اخراج او و سایر شاهزاده ها در سنا قانون نامه مشورتخانه وکلای ملت را تغییر داده اند ، باین معنی که در وهله اول قرار این بود که بمحض میل باندک بهانه دولت می توانست هر يك از آن شاهزاده ها را از خاک فرانسه اخراج بنماید ، اما از قراریکه در سنا بنا گذاشته شده است پیش از رسیدگی بعمل آنها و اثبات تقصیر آنها دولت نمی تواند آنها را بدون تقصیری نهی کند . صورت هردو قانون را در بعضی از روزنامه ها چاپ کرده بودند اینك نسخه ای از آن روزنامه را بریده برای مزید اطلاع جناب بندگانعالی لفا میفرستم . حالا این قانون سنا باید دوباره در مشورت خانه ملتی ملاحظه و تصدیق شود و هرگاه نشود باعث تفرقه و اغتشاش خواهد بود ، تا خداوند چه مقدر کرده باشد .

زیاده چه جسارت است مورخه یوم چهارشنبه ۶ ربیع الثانی

سنه ۱۳۰۰ .